

تاریخ آغازین

درس
دوم

بهشت از دست رفته و بازیافته



THIRD MILLENNIUM
MINISTRIES

Biblical Education. For the World. For Free.

© 2019 by Third Millennium Ministries

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced in any form or by any means for profit, except in brief quotations for the purposes of review, comment, or scholarship, without written permission from the publisher, Third Millennium Ministries, Inc., 316 Live Oaks Blvd., Casselberry, Florida 32707.

Unless otherwise indicated all Scripture quotations are from the HOLY BIBLE, NEW INTERNATIONAL VERSION. Copyright © 1973, 1978, 1984, 2011 International Bible Society. Used by Permission of Zondervan Bible Publishers.

ABOUT THIRD MILLENNIUM MINISTRIES

Founded in 1997, Third Millennium Ministries is a nonprofit Christian organization dedicated to providing **Biblical Education. For the World. For Free.** In response to the growing global need for sound, biblically-based Christian leadership training, we are building a user-friendly, donor-supported, multimedia seminary curriculum in five major languages (English, Spanish, Russian, Mandarin Chinese, and Arabic) and distributing it freely to those who need it most, primarily Christian leaders who have no access to, or cannot afford, traditional education. All lessons are written, designed, and produced in-house, and are similar in style and quality to those on the History Channel[®]. This unparalleled, cost-effective method for training Christian leaders has proven to be very effective throughout the world. We have won Telly Awards for outstanding video production in Education and Use of Animation, and our curriculum is currently used in more than 192 countries. Third Millennium materials take the form of DVD, print, Internet streaming, satellite television transmission, and radio and television broadcasts.

For more information about our ministry and to learn how you can get involved, please visit <http://thirdmill.org>.

سرشناسه: تاریخ اولیه جهان (درس شماره ۲: بهشت از دست رفته و بازیافته)

مدرس: ریچارد پرت

حق چاپ ترجمه فارسی این اثر برای انتشارات خدمات مسیحی هزاره سوم محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، چاپ، توزیع و دخل و تصرف در این اثر بدون اجازه ناشر مطابق قانون حق مولف ممنوع و منوط به کسب اجازه رسمی از ناشر است. ارجاعات کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و هزاره نو (انتشارات ایلام) و ترجمه مزده برای عصر جدید (انجمن متحد کتاب مقدسی) گرفته شده است.

(۱) مقدمه

(۲) ساختار ادبی

بررسی اجمالی

در باغ
اعتلای شرایط
لعن شرایط
بیرون از باغ

تقارن

آغاز و پایان
بخش های میانی

(۳) معنای اصلی

باغ

هویت
قدوسیت

وفاداری

در عدن
در کنعان

عواقب

مرگ
رنج
محرومیت

(۴) کاربرد امروزی

تاسیس

پولس
متی

تداوم

پولس
یعقوب

کمال

رومیان
مکاشفه

(۵) نتیجه‌گیری

بهشت از دست‌رفته و بازیافته

مقدمه

به نظرم همه هر از گاهی چیزی را گم می‌کنند. شاید کتاب، یا کلید منزل‌تان را گم کنید. شما را نمی‌دانم، ولی وقتی من چیزی را گم می‌کنم، اول از همه، کارهایم را مرحله به مرحله مرور می‌کنم. دست‌کم در ذهنم، زمان را قدم به قدم به عقب بر می‌گردانم تا به یاد بیاورم آن شی گمشده را کجا گذاشته‌ام. بعد از مرور قدم‌هایم، با دقت کار اشتباهم را تصحیح می‌کنم. کلیدهایم را روی میز می‌گذارم که باید آنجا باشند و کتاب هم دوباره در قفسه‌اش قرار می‌گیرد. مرور و تصحیح کارهایی که کرده‌ام یکی از بهترین راه‌هایی است که برای پیدا کردن اشیای گمشده‌ام می‌شناسم.

این درس را «بهشت از دست‌رفته و بازیافته» نامیده‌ایم و توجه‌مان را بر پیدایش ۲: ۴-۳: ۲۴ متمرکز خواهیم کرد که داستان گناه آدم و حوا در باغ عدن است. خواهیم دید که موسی دربارهٔ آدم و حوا نوشت که بهشت را از دست دادند، تا اسرائیل را تشویق کند قدم‌های اشتباهی که آدم و حوا در باغ عدن برداشتند را مرور و تصحیح کنند. فقط با پندگیری از این داستان بود که اسرائیل می‌توانست به بازیابی دوبارهٔ بهشت امیدوار باشد، و خواهیم دید که این دلگرمی موسی برای اسرائیل، پیغام امروز خدا به ما نیز هست. مسیحیان امروزی نیز با مرور قدم‌های آدم و حوا، می‌توانند بهشت را بیابند.

بررسی ما بر باب‌های ۲ و ۳ پیدایش، به سه بخش تقسیم خواهد شد؛ نخست، ساختار ادبی این بخش را بررسی می‌کنیم. دوم، معنای اصلی این باب‌ها را مورد توجه قرار می‌دهیم تا درک کنیم چرا موسی آنها را به این شکل برای فرزندان اسرائیل نوشت. و سوم، با این پرسش که چگونه عهد جدید ما را در استفادهٔ درست از این بخش در زندگی‌مان هدایت می‌کند، به کاربرد امروزی آن توجه خواهیم کرد. بیایید ابتدا با ساختار ادبی متن شروع کنیم.

ساختار ادبی

هرچند پیدایش ۲-۳ متن نسبتاً بلندی است و به مباحث زیادی اشاره می‌کند، اما در واقع روایتی یکپارچه را تشکیل می‌دهد. برای درک درست این متن، باید این دو باب را به عنوان یک واحد ادبی در نظر بگیریم. بررسی ما از ساختار ادبی پیدایش ۲-۳، دو موضوع اصلی را مورد توجه قرار می‌دهد: اول، به طور اجمالی بخش‌های اصلی متن را مرور می‌کنیم؛ و دوم، تفسیری از چند تقارن مهم در این بخش‌های مختلف ارائه می‌دهیم تا به جان مطلبی پی‌ببریم که موسی برای اسرائیل بازگو می‌کرد. بیایید ابتدا با بررسی اجمالی ساختار ادبی پیدایش ۲-۳ شروع کنیم.

بررسی اجمالی

جدا از عنوان کوتاهی که در نیمه اول ۲: ۴ آمده، این دو باب به چهار بخش اصلی تقسیم می‌شود، که در درجه نخست با تغییراتی در مباحث و شخصیت‌ها، مشخص می‌شوند. باید در میان این چهار مرحله بگذریم و مضمون اصلی آنها را خلاصه کنیم.

در باغ

اولین صحنه داستان ما در ۲: ۴-۱۷ ظاهر می‌شود که می‌خوانیم خدا آدم را در باغ عدن نهاد. این آیات با نمای وسیع باغ عدن آغاز می‌شود و آنطور که متن می‌گوید، تمام آن باغ جایگاه پرشکوه آدم برای سکونت و کار بود. پس موضوع اصلی این بخش را می‌توان آفرینش آدم و ماموریت او برای کار در آن باغ، خلاصه کرد. فیض خدا افتخار بزرگی به آدم بخشید. او از سوی خدا، نگهبان آن باغ بود.

اعتلای شرایط

مرحله دوم روایت ما در ۲: ۱۸-۲۵، به «اعتلای شرایط» بشریت اختصاص پیدا می‌کند. در این متن، خدا حتی برکات بیشتری به زندگی آدم می‌دهد. این بخش با معرفی یک مشکل جدید در ۲: ۱۸ آغاز می‌شود. در آنجا خدا به آدم نگاه کرد و گفت:

خوب نیست که آدم تنها باشد. پس برایش معاونی موافق وی بسازم (پیدایش ۲: ۱۸).

ادامه آیات در ۲: ۱۸-۲۵، از چگونگی مقابله خدا با این مشکل خبر می‌دهند. آدم به دنبال شریکی در میان جانوران می‌گشت، اما در انتها، خدا زنی را خلق کرد و نزد آدم آورد. به این ترتیب، خدا به آفرینش شگفت‌انگیز خود برای آدم و حوا، اعتلا بخشید.

لعن شرایط

مرحله سوم روایت ما ۳: ۱-۲۱ است که آن را «لعن شرایط» می‌نامیم. این مطلب در ۳: ۱ با معرفی موضوع و شخصیتی جدید، یعنی مار و سوسه‌گر، شروع می‌شود. از اینجا به بعد، ۳: ۱-۲۱ به وسوسه مار و نتایج وسوسه او

می‌پردازد. حوا تسلیم و سوسه مار می‌شود و در نتیجه او و آدم از میوه ممنوعه می‌خورند و مورد لعنت‌های الهی قرار می‌گیرند.

بیرون از باغ

عنصر چهارم در ساختار فراگیر این متن، ۳: ۲۲-۲۴ است که آن را بشریت در «بیرون از باغ» نامیده‌ایم. این بخش با یک تغییر مهم دیگر در موضوع مشخص می‌شود. می‌بینیم که خدا درباره مسئله درخت حیات صحبت می‌کند. در ۳: ۲۲ اینطور می‌خوانیم:

همانا انسان... مبادا دست خود را دراز کند و از درخت حیات نیز گرفته بخورد، و تا به ابد زنده ماند (پیدایش ۳: ۲۲).

خدا در برابر مشکل بالقوه خوردن میوه این درخت توسط آدم، او را از باغ بیرون کرد و کروبیان و شمشیر آتشی را در آنجا قرار داد تا نگهبان ورودی عدن باشند. از اینجا به بعد، جدا از مداخله مستقیم خدا، نوع بشر دیگر به باغ عدن دسترسی ندارد.

تقارن

با در نظر داشتن چهار بخش اصلی این متن، اکنون می‌توانیم نگاه دقیق‌تری به پیدایش ۲-۳ بیندازیم و تقارن چشمگیری را ببینیم که در این متن ارائه شده است. موسی با کنار هم چیدن عناصر مختلف این بخش، مطالب اصلی روایت خود را آشکار کرد. برای بررسی تقارن‌های موجود در این روایت، اول به تعادل میان آغاز و پایان روایت‌مان نگاهی می‌اندازیم، و بعد تقارن موجود در دو بخش میانی داستان را مورد توجه قرار می‌دهیم. بیایید ابتدا به آغاز و پایان این متن بپردازیم.

آغاز و پایان

همانطور که خواهیم دید، پیدایش ۲: ۴-۱۷ و ۳: ۲۲-۲۴ دست‌کم به سه طریق مهم، با هم تضاد شدیدی دارند.

اولین تضاد در مورد مکان آنهاست. روایت در ۲: ۷ آغاز می‌شود که خدا آدم را در باغ بهشت قرار داد. آدم در کنار گیاهان شگفت‌انگیز، آب حیات‌بخش، و فلزات و سنگ‌های گرانبهایی که از هر طرف احاطه‌اش کرده بودند، مشغول کار و زندگی در این مکان سرشار از برکات الهی شد. در مقابل، روایت با ۳: ۲۴ پایان می‌یابد که خدا، آدم

و حوا را از آن باغ بیرون می‌کند. این تضاد جغرافیایی روشن می‌کند که بهترین مکان زندگی افراد بشر روی زمین، باغ عدن بود.

دومین تفاوت در این دو بخش، مربوط به درختان خاص باغ می‌شود. هرچند ۲: ۴-۱۷ به دو درخت حیات و معرفت نیک و بد اشاره می‌کند، اما وقتی به ۲: ۱۷ می‌رسیم فقط درخت معرفت مورد توجه قرار دارد. این درخت قدرت داشت تجربه شناخت نیکی و گناه را به نوع بشر ببخشد. می‌توانست چشمان آنها را باز کند تا چیزهایی را ببینند که قبلاً ندیده بودند.

در مقابل، در پایان روایت در ۳: ۲۲-۲۴، توجه خدا به جای درخت معرفت نیک و بد، فقط به درخت حیات معطوف بود. این درخت قدرت داشت به افراد بشر حیات جاودانی ببخشد. اما خدا آدم را بیرون راند و نگذاشت به آن درخت دسترسی داشته باشد. این تضاد روشن کرد که دسترسی آزادانه‌ای که روزی انسان به آن باغ و همه برکات موجود در آن داشت، از دست رفت تا زمانی که خدا حکم دیگری صادر کرد.

سومین تفاوت میان آغاز و پایان روایت ما، در ماموریت بشریت است. در شروع داستان در ۲: ۱۵، خدا آدم را مامور به کار مبارکی در باغ کرد که هیچ رنج و سختی نداشت. اما در ۳: ۲۳ خدا آدم و حوا را از باغ بیرون راند و آنها را به زحمت کشیدن در بیرون باغ محکوم کرد. این تضاد، چشم‌اندازی اساسی در داستان را هم ارائه می‌دهد. نه تنها بشریت شگفتی زندگی در عدن را از دست داد، بلکه ما نیز تا زمانی که بیرون از باغ بمانیم، همچنان محکوم به رنج هستیم.

سه تضاد موجود میان قسمت‌های اول و آخر پیدایش ۲-۳، توجه ما را به بعضی از اساسی‌ترین جنبه‌های روایت مورد نظر جلب می‌کنند. موسی درباره یک تغییر عمده در شرایط انسان نوشت که در دوران آغازین جهان اتفاق افتاد. خدا در اصل اینطور مقرر کرده بود که انسان‌ها در باغ او ساکن شوند، اما گناه آدم و حوا برای‌شان سختی و زحمت به بار آورد و آنها را از درختی که حیات جاودانی می‌بخشد، جدا کرد. اما همانطور که خواهیم دید، این تضادها مستقیماً با وضعیتی ارتباط داشت که اسرائیلیان تحت هدایت موسی در راه سرزمین وعده، دچار شده بودند. اسرائیلیان هنگامی که ظالمانه در مصر به بردگی گرفته شده بودند، فاصله زیادی از عدن داشتند. لازم بود آنها برکاتی را که خدا در عدن تهیه دیده بود، دوباره به دست بیاورند.

بخش‌های میانی

با در نظر داشتن تقارن‌های متضاد در بخش‌های پایانی داستان، لازم است که به بخش‌های میانی در ۲: ۱۸-۲۵ و ۳: ۱-۲۱ توجه کنیم. این دو مرحله میانی، شکاف بین بخش‌های آغاز و پایان روایت را پر می‌کنند و تقارن‌های متضاد خود را دست‌کم به سه طریق نشان می‌دهند.

یک تضاد بر رابطه بشریت با خدا متمرکز است. در مرحله دوم، شاهد یک رابطه هماهنگ میان آدم و خدا هستیم. در ۲: ۱۸، خدا نگرانی خود را برای آدم ابراز کرد و با خلق حوا، شریک بی‌نقصی برای آدم ساخت. این تصویر، نشانگر صمیمیت و صلح میان خدا و نسل بشر است. اما در بخش سوم روایت، ناهماهنگی جایگزین هماهنگی اولیه میان خدا و نسل بشر می‌شود. آدم و حوا از فرمان خدا سرپیچی کردند، و در ۳: ۸ از حضور خدا پنهان شدند، و خدا خشمگینانه علیه آدم و حوا سخن گفت.

تضاد دوم در رابطه انسانی دیده می‌شود. در مرحله دوم از ۲: ۱۸-۲۵، آدم و حوا در سعادت کامل بودند. در ۲: ۲۳ آدم اولین شعر عاشقانه در کتاب مقدس را سرود و گفت که حوا «استخوانی از استخوان‌هایم و گوشتی از گوشتم» است، و آنها هر دو برهنه، بدون شرم و خجالت در کنار هم زندگی می‌کردند. اما در نقطه مقابل، در ۳: ۱۶، خدا لعنتی را در این رابطه اعلام کرد و گفت که کشمکش ماندگار میان مرد و زن به وجود خواهد آمد. اشتیاق زن به شوهرش خواهد بود و شوهر بر او حکمرانی خواهد کرد. این سخنان نشان می‌داد که گناه آدم و حوا نه تنها رابطه‌شان با خدا، بلکه رابطه میان خودشان را هم مختل کرد. از آن نقطه به بعد، مشخصه رابطه انسانی، سختی و مرارت بوده است.

سومین تضاد در رابطه انسان با شریر ظاهر می‌شود. در مرحله دوم، شریر در داستان غایب است. آدم و حوا کاملاً بری از گناه و به دور از قدرت شرارت بودند. اما در بخش سوم، بشریت به دام مار افتاد و وارد کشمکش طولانی مدت با شریر شد. در ۳: ۱۵ خدا وعده داد که نسل حوا روزی بر مار غلبه خواهد کرد، اما پیروزی فوری‌ای به آدم و حوا داده نشد.

این تضادهای میان بخش‌های دوم و سوم روایت، به ما کمک می‌کنند تا چند نکته که موسی در حین نوشتن آنها مد نظر داشت را ببینیم. موسی به نوعی درباره آدم و حوا نوشت که به تجربه اسرائیل مرتبط بود. گناه همچنان زندگی اسرائیل را به تباهی می‌کشید. باعث تخریب رابطه میان قوم با خدا و با یکدیگر می‌شد، و گذشته از این، هر روزی که با سختی و مرارت تحمل می‌کردند برای موسی و اسرائیل یادآور آن بود که آنها هم مانند آدم و حوا باید منتظر زمانی بمانند که خدا سرانجام پیروزی بر شرارت را برای قوم خود به ارمغان بیاورد.

با در نظر داشتن ساختار ادبی این متن، می‌توانیم به بررسی معنای اصلی آن بپردازیم. چرا موسی این روایت اخراج بشریت از باغ خدا را نوشت؟ چه پیامی را به قوم اسرائیل در هنگام هدایت‌شان به سرزمین وعده می‌رساند؟

معنای اصلی

مطمئنًا، در یک سطح بسیار ابتدایی موسی این روایت را نوشت تا بعضی موضوعات الاهیاتی کلی را به اسرائیلیانی تعلیم دهد که رهبری‌شان را به‌عهده داشت. او مطالب زیادی درباره سرمنشاء، ماهیت، و نتایج گناه در

جهان برای‌شان بازگو کرد که بسیار مهم بودند. ولی همانطور که در درس پیش دیدیم، موسی تاریخ آغازین خود را فقط برای اطلاع اسرائیل از چنین مسائل تاریخی و الاهیاتی به رشته تحریر در نیاورد. در عوض مثل بسیاری از سایر نویسندگان باستان، او تاریخ آغازین خود را نوشت تا دستورات عملی درباره برنامه‌های دینی و اجتماعی جاری قوم اسرائیل، و مخصوصاً درباره ترک مصر و رفتن به کنعان به آنها ارائه دهد.

برای اینکه ببینیم چگونه موسی آن باغ عدن باستانی را به فتح کنعان توسط اسرائیل ربط داد، سه عنصر را در داستان او بررسی خواهیم کرد: اول، تصویر موسی از باغ عدن؛ دوم، تمرکز او بر لزوم وفاداری از سوی آدم و حوا؛ و سوم، تصویر او از لعنت‌های قرار داده شده بر آدم و حوا. بیایید ابتدا نگاهی به تصویر موسی از باغ عدن بیندازیم.

باغ

توصیفی که موسی از باغ عدن به دست می‌دهد آنقدر پیچیده است که بسیاری از سوالات امروزی ما درباره عدن همواره بی‌جواب خواهند ماند. اما می‌توانیم موضوعات اصلی را در بیان موسی تشخیص بدهیم. همانطور که خواهیم دید، موسی باغ عدن را به گونه‌ای توصیف کرد که شباهت آن را به سرزمین وعده نشان می‌داد. از دید موسی، در واقع سرزمینی که او در روزگار خود اسرائیل را به سوی آن رهبری می‌کرد، همان منطقه‌ای بود که زمین باستانی عدن در آن قرار داشت.

جنبه‌های زیادی از پیدایش ۲-۳ روشن می‌کنند که موسی می‌خواست اسرائیل، کنعان را به زمین عدن ربط بدهد. اما دو خصیصه برجسته در روایت او اهمیت خاصی دارند: اول، هویت عدن؛ و دوم، قدوسیت عدن. بیایید ابتدا نگاهی به هویت عدن بیندازیم.

هویت

در پیدایش ۲: ۱۰-۱۴ اینطور می‌خوانیم:

نهری از عدن بیرون آمد تا باغ را سیراب کند، و از آنجا منقسم گشته، چهار شعبه شد. نام اول فیشون است که تمام زمین حویله را که در آنجا طلاست احاطه می‌کند... و نام نهر دوم جیحون که تمام زمین کوش را احاطه می‌کند. و نام نهر سوم حدقل که به طرف شرقی آشور جاری است. و نهر چهارم فرات (پیدایش ۲: ۱۰-۱۴).

طبق نوشته موسی، یک رودخانه از عدن بیرون می‌آمد و به چهار شاخه تقسیم می‌شد. این شاخه‌ها عبارت بودند از رودخانه‌های فیشون، جیحون، دجله و فرات. یک رودخانه اصلی در عدن، سرچشمه اصلی آب این چهار رودخانه بود. وقتی به بررسی شرح موسی در این قسمت می‌پردازیم، باید همواره به خاطر داشته باشیم که از زمان ابتدای جهان تا به حال، تغییرات جغرافیایی زیادی در تاریخ سیاره ما اتفاق افتاده است. حتی در روزگار موسی هم دیگر یک رود اصلی به عنوان سرچشمه این چهار رودخانه وجود نداشت. کلام خدا تعلیم می‌دهد که این منبع اصلی آب فقط در انتهای زمان ظاهر خواهد شد. اما، اشاره موسی به چهار رودخانه‌ای که از این منبع اصلی سرچشمه می‌گرفتند، تصویری تقریبی از محلی می‌دهد که به اعتقاد او عدن در آنجا قرار داشت.

می‌توانیم دجله و فرات را که در ۲: ۱۴ به آنها اشاره شده، در منطقه رودخانه‌های دجله و فرات امروزی شناسایی کنیم. این واقعیت که پیدایش به این رودخانه‌ها اشاره می‌کند، باعث شده اکثر مفسرین امروزی به این نتیجه برسند که پیدایش با اساطیر بابلی توافق دارد که عدن در منطقه بین‌النهرین قرار داشت. در زبان بابلی، عدن (edin) به معنی «یک دشت» یا «زمین هموار وسیع» است، اصطلاحی که مناسب منطقه جنوبی میان دجله و فرات است. اما در زبان عبری، عدن (eden) به معنی «یک دشت» نیست. معنی آن «مکانی دلپذیر و فرح‌بخش» است. بنابراین موسی اصلاً از کلمه بابلی استفاده نمی‌کرد. منظور او کلمه عبری بود که به کلمه بابلی عدن شباهت داشت، اما تصور دیگری از آن مکان در نظرش بود. در واقع، روایت پیدایش به روشنی بیان می‌کند که عدن محدود به بین‌النهرین نمی‌شد. همانطور که در ۲: ۱۰ دیدیم، دجله و فرات از شاخه‌های یک رود بزرگتر بودند که در عدن قرار داشت. در آیه ۱۰ اینطور می‌خوانیم:

نهری از عدن بیرون آمد تا باغ را سیراب کند، و از آنجا منقسم گشته، چهار شعبه شد (پیدایش ۲: ۱۰).

این متن تعلیم می‌دهد که رودخانه عدن تغذیه کننده آب دجله و فرات بود، نه اینکه عدن محدود به منطقه دجله و فرات می‌شد. موسی به دجله و فرات اشاره کرد تا جهت کلی از حدود شرقی عدن ارائه بدهد. آن رودخانه‌های عظیم در شرق، نشانگر مرز شرقی منطقه عدن بودند.

موقعیت سایر رودخانه‌های مورد اشاره در پیدایش باب ۲ موید این دیدگاه است. در ۲: ۱۱، ۱۳، موسی به دو رودخانه دیگر اشاره کرده است. او می‌نویسد که نهر عدن سرچشمه فیشون که از میان حویله عبور می‌کرد، و همچنین جیحون بود که از میان تمام زمین کوش می‌گذشت. در عهد عتیق، سرزمین‌های حویله و کوش غالباً به منطقه مصر مربوط هستند. نمی‌توانیم با اطمینان بگوییم که از نظر موسی این رودخانه‌ها دقیقاً رابطه‌ای با رود نیل داشته‌اند، اما یقیناً می‌توان گفت که او به منطقه شمالی مصر به عنوان مرز غربی عدن اشاره می‌کرد.

پس می‌توانیم ببینیم که از نظر موسی، عدن مکان کوچکی نبود، بلکه منطقه وسیعی از دجله-فرات تا مرز مصر را در بر می‌گرفت که تقریباً شامل تمام ناحیه‌ای می‌شود که امروزه آن را هلال حاصلخیز می‌خوانیم. در این مکان دلپذیر باغ خاصی قرار داشت؛ باغ عدن که در مرکز سرزمین بزرگ عدن بود. در نگاه اول، شاید تطبیق عدنی که موسی معرفی می‌کند با هلال حاصلخیز اهمیت چندانی نداشته باشد. اما در واقع، درک اهمیت مکان عدن طبق نوشته‌های موسی در پیدایش برای اسرائیل، اهمیت حیاتی دارد. موسی در قسمت‌های دیگر کتاب پیدایش دوباره به پیدایش ۲ بر می‌گردد تا به اسرائیل تعلیم دهد که زمین عدن، یعنی هلال حاصلخیز، همان سرزمینی بود که خدا به اسرائیل وعده داد، یعنی همان جایی که آنها را به سوی آن رهبری می‌کرد. این دیدگاه مخصوصاً وقتی روشن شد که خدا در پیدایش ۱۵: ۱۸ با ابراهیم سخن گفت. به نحوه توصیف خدا از مرزهای سرزمین وعده در این قسمت گوش بدهید:

این سرزمین را به نسل تو می‌بخشم، از رود مصر تا رود بزرگ فرات (پیدایش ۱۵: ۱۸).

در اینجا می‌بینیم از یک سو خدا به ابراهیم وعده می‌دهد که زمینش تا منطقه دجله-فرات گسترده خواهد بود، و همچنین تا «رود مصر» هم می‌رسد. از نظر مفسرین بسیاری، «رود مصر» شاید اشاره به خود رود نیل نیست بلکه مربوط به رود کوچکتری در مرز سینای مصر باشد. در هر صورت، بدیهی است که این آیه اشاره‌ای به مرزهای جغرافیایی عدن در پیدایش باب ۲ دارد. اشاره به پیدایش باب ۲، روشن می‌کند که به اعتقاد موسی، خدا سرزمینی را به ابراهیم و نسل او وعده داد که روزی به عنوان عدن شناخته می‌شد. از دید موسی، اسرائیل با حرکت به سوی کنعان، در واقع به سوی منطقه سرزمین اولیه عدن حرکت می‌کرد. موسی برای تاکید بر اهمیت حرکت اسرائیل به سوی عدن، بر مشخصه تقدس آن مکان تاکید داشت. او به تقدس عدن اشاره می‌کرد تا به اسرائیل تعلیم دهد که سرزمین وعده‌ای که آنها را به آن سمت رهبری می‌کند، مکانی برای دریافت برکت ورود به حضور خاص خدا است.

تقدس

اصلی‌ترین روش موسی برای نشان دادن تقدس عدن این بود که آن را با اصطلاحاتی مورد اشاره قرار داد که مشابه توصیف او از خیمه عبادت بود. هرچند خدا همه‌جا حاضر است و به مفهوم کلی در همه جا سکونت دارد، اما موسی خیمه عبادتی ساخت که خدا به شکل خاصی برای ملاقات قوم خود به آنجا آمد و در این خیمه عبادت، حضور خویش را ظاهر می‌ساخت، فرمان صادر می‌کرد، پذیرای عبادت قوم خود می‌شد و آنها را با لطف خویش برکت می‌داد. بنابراین وقتی موسی باغ عدن را با اصطلاحاتی مشابه خیمه عبادت توصیف می‌کرد، نشان می‌داد که

عدن و همچنین کنعان، محل حضور خاص خدا بر زمین است و اسرائیل می‌توانست در آنجا برکات زیادی از خدا دریافت کند.

دست‌کم هفت جنبه از عدن، نشان می‌داد که تا اندازه‌ی زیادی مانند خیمه‌ی عبادت، محل حضور خاص و مقدس خداست. اول، در ۳: ۸ موسی در بازگویی این موضوع که خدا «در باغ می‌خرامید» از بیان خاصی استفاده کرده است. اصطلاح عبری میت هالک (mit halek) «می‌خرامید» ترجمه شده است. اهمیت کاربرد این اصطلاح آن است که موسی با همین روش خاص، حضور خدا در خیمه‌ی عبادت را در لاویان ۲۶: ۱۲ و متون دیگر توصیف کرده است.

دوم، در ۲: ۹ درباره‌ی درخت حیات به عنوان یکی از مشخصه‌های اصلی باغ عدن می‌خوانیم. این درخت مقدس قدرت داشت به کسانی که از آن می‌خوردند، حیات جاودانی ببخشد. و هرچند کتاب مقدس به صراحت این موضوع را نمی‌گوید، اما تحقیقات اخیر باستان‌شناسی نشان داده که در بسیاری از مکان‌های جهان باستان، تصاویری از درخت حیات در اماکن مقدس با سبکی خاص موجود است. این مدارک قویاً نشان می‌دهند که منورا، یعنی هفت چراغدان خیمه‌ی عبادت موسی، به احتمال زیاد به نوعی نماینده‌ی درخت حیات است. به این شکل، باغ عدن به عنوان اولین مکان مقدس بر روی زمین نشان داده می‌شود.

سومین روشی که موسی قدوسیت عدن را مورد توجه قرار می‌دهد، تمرکزی است که بر طلا و سنگ عقیق در آن منطقه دارد. در ۲: ۱۲، می‌آموزیم که طلا و عقیق به فراوانی در منطقه‌ی عدن وجود داشت. همانطور که شاید انتظار داشته باشیم، خروج ۲۵-۴۰ به طلا و عقیق به عنوان اجزای مهم بنای خیمه‌ی عبادت اشاره می‌کند.

چهارمین ارتباط میان باغ عدن و خیمه‌ی عبادت، حضور کروبیان یا فرشتگان است. بر اساس ۳: ۲۴، خدا کروبیان را در باغ عدن برای محافظت از درخت حیات قرار داد. به طور مشابه، کروبیان در سرتاسر تزئینات داخلی خیمه‌ی عبادت در قسمت‌هایی مانند خروج ۲۵: ۱۸ و ۳۷: ۹ ظاهر می‌شوند. این کروبیان برای اسرائیل نه تنها یادآور فرشتگان آسمان، بلکه یادآور فرشتگان نگهبان مکان مقدس در عدن هم بودند.

پنجم، در ۳: ۲۴ می‌خوانیم که ورودی عدن «در طرف شرقی» بود. این واقعیت تا زمانی که در یابیم طبق خروج ۲۷: ۱۳ و تعدادی از متون دیگر کلام خدا، ورودی اصلی خیمه‌ی عبادت هم در طرف شرقی بود، شاید به نظر بی‌اهمیت برسد. این موضوع در مورد اکثر معابد خاور نزدیک باستان هم صدق می‌کرد. یک بار دیگر، عدن به عنوان محل سکونت مقدس خدا نشان داده می‌شود.

ششم، موسی درباره‌ی خدمت آدم در عدن با همان زبانی صحبت کرد که در قسمت‌های دیگر از خدمت لاویان در خیمه‌ی عبادت گفت. او در ۲: ۱۵ مسئولیت آدم در باغ را اینطور شرح می‌دهد:

پس خداوند خدا آدم را گرفت و او را در باغ عدن گذاشت تا کار آن را بکند و آن را محافظت نماید (پیدایش ۲: ۱۵).

این اصطلاحات در اعداد ۳: ۷-۸ و ۸: ۲۶ نیز در کنار هم به چشم می‌خورند. در آنجا موسی کار لاویان را با استفاده از بیانی مشابه توصیف کرد. آدم و حوا به عنوان کاهن در باغ عدن خدمت کردند.

هفتم، شکل گرفتن باغ عدن پس از شش روز آفرینش حائز اهمیت است. همانطور که در درس گذشته دیدیم، اوج شش روز آفرینش در پیدایش ۲: ۱-۳ نگهداری سبب توسط خدا بود. جالب است که بر اساس خروج ۲۴: ۱۶ و آیات بعد از آن، موسی شش روز را با خدا بر روی کوه گذراند، و خدا در روز هفتم دستورالعمل ساخت خیمه عبادت را به او داد.

این هفت مشخصه عدن نشان می‌دهند که باغ عدن از نظر موسی درست مانند خیمه عبادت، مکانی مقدس بود. حضور خاص خدا در جهان در آن منطقه به چشم می‌خورد. و نزدیکی به آن به منزله نزدیکی به برکات خدا محسوب می‌شد.

همانطور که دیدیم، به اعتقاد موسی عدن در منطقه کنعان قرار داشت. در نتیجه، با توجه به مشخصه قدوسیت عدن، او نظر خوانندگان خود را به مشخصه قدوسیت کنعان جلب می‌کرد. نزدیکی به کنعان به منزله نزدیکی به مکانی بود که خدا از ابتدا به عنوان مسکن مقدس خود مقرر کرده بود. یکی از بهترین متونی که تعلیم موسی درباره این مکان مقدس را نشان می‌دهد، تثنیه ۱۲: ۱۰-۱۱ است. او نوشت:

اما چون از اردن عبور کرده، در زمینی که یهوه خدای شما برای شما تقسیم می‌کند، ساکن شوید، و او شما را از جمیع دشمنان شما از هر طرف آرامی دهد تا در امنیت سکونت نمایید، آنگاه به مکانی که یهوه خدای شما برگزیند تا نام خود را در آن ساکن سازد، به آنجا هرچه را که من به شما امر فرمایم بیاورید، از قربانی‌های سوختنی و ذبایح و عشرهای خود، و هدایای افراشتنی دست‌های خویش، و همه نذرهای بهترین خود که برای خداوند نذر نمایید (تثنیه ۱۲: ۱۰-۱۱).

این متن یکی از برجسته‌ترین خصوصیات دیدگاه موسی درباره زمین کنعان را آشکار می‌کند. او تاکید داشت که روزی کنعان محل حضور دائمی خدا - معبدی برای یهوه - خواهد بود.

مطمئناً زمین کنعان در روزگار موسی فقط سایه‌ای از عدن اصلی بود. حتی وقتی سلیمان معبد را در اورشلیم ساخت، هنوز سرزمین وعده کاملاً از گناه رها نشده و به کمال اولیه خود نرسیده بود. با این حال، موسی با نوشتن درباره قدوسیت عدن، رویایی از آنچه روزی آن سرزمین می‌توانست باشد، پیش چشمان اسرائیل به تصویر می‌کشید. رسیدن به سرزمین وعده به منزله نقل مکان به عدن، یعنی محل حضور مقدس خدا بر زمین بود. دقیقاً همانطور که

خدا در ابتدا آدم و حوا را در معبد شگفت‌انگیز باغ قرار داد، اکنون در حال انتقال اسرائیل به کنعان بود و وقتی آنها در آن سرزمین ساکن می‌شدند، برکات خاص زندگی در حضور خدا را تجربه می‌کردند. پس از بررسی نگرش موسی از برکات آدم و حوا در عدن به عنوان پیش‌درآمد فیضی که اسرائیل را در سرزمین وعده انتظار می‌کشید، در موقعیتی قرار داریم که به مبحث دیگری در پیدایش ۲-۳ بپردازیم، یعنی امتحان وفاداری آدم و حوا توسط خدا. این موضوع نقشی اساسی در نوشته‌های موسی دارد.

وفاداری

موضوع وفاداری نقشی اساسی در داستان موسی دربارهٔ عدن دارد. هرچند عدن محل برکت عظیم خدا بود، اما لزوم مسئولیت‌پذیری اخلاقی هم در آنجا وجود داشت. موسی بر این واقعیت تاکید کرد چون می‌خواست اسرائیلیان به خاطر بسپارند که در سرزمین وعده‌ای که مقصدشان است هم وفاداری آنها به احکام خدا الزامی خواهد بود. برای درک دلیل تاکید موسی بر این موضوع، باید دو مسئله را تحت بررسی قرار دهیم: لزوم وفاداری در باغ عدن، و لزوم وفاداری در کنعان. بیایید اول نگاهی به وفاداری که خدا از آدم و حوا در باغ عدن انتظار داشت، بیندازیم.

در عدن

موضوع وفاداری در باغ، خیلی زود در باب ۲ پیدایش ظاهر می‌شود و بعد دوباره در تمام طول باب‌های ۲ و ۳ تکرار می‌شود و از جوانب مختلفی، موضوع اصلی این باب‌ها است. گوش کنید که خدا چطور در پیدایش ۲: ۱۶-۱۷ وفاداری آدم را به چالش کشید:

از همهٔ درختان باغ بی‌ممانعت بخور، اما از درخت معرفت نیک و بد زنه‌ار نخوری، زیرا روزی که از آن خوردی، هرآینه خواهی مرد (پیدایش ۲: ۱۶-۱۷).

به طور کامل واضح نیست که چرا خدا والدین اولیهٔ ما را از این درخت منع کرد. به هر روی، به آگاهی از خیر و شر در بخش‌های دیگر کتاب مقدس ارزش زیادی داده شده است. علیرغم این عدم قطعیت، روشن است که خدا در حال امتحان آدم و حوا بود تا وفاداری آنها به خود را ببیند. اگر آدم و حوا مطیع می‌بودند، برکات بسیار بیشتری از خدا دریافت می‌کردند. اما اگر جسارت و خیره‌چشمی آنها ثابت می‌شد، تحت داوری خدا قرار می‌گرفتند. عدن مکان مقدسی بود و افرادی که آنجا زندگی می‌کردند نیز می‌بایست مقدس می‌بودند.

در کنعان

موسی با تمرکز بر آزمایش وفاداری در باغ عدن، بر لزوم وفاداری اسرائیلیانی تاکید داشت که آنها را به سوی سرزمین وعده رهبری می‌کرد. او در حین رهبری اسرائیل به سوی سرزمین وعده، بارها به آنها هشدار داد که خدا از آنها می‌خواهد تا به او وفادار بمانند. موسی خلاصه مختصری از تعالیم خود در این مورد را در باب هشتم تثنیه ارائه داد. در تثنیه ۸: ۱ این‌طور می‌خوانیم:

تمامی اوامری را که من امروز به شما امر می‌فرمایم، حفظ داشته، به جا آورید، تا زنده مانده، زیاد شوید، و به زمینی که خداوند برای پدران شما قسم خورده بود، داخل شده، در آن تصرف نمایید (تثنیه ۸: ۱).

در این متن روشن است که خدا از اسرائیل می‌خواست نسبت به او وفادار باشند تا بتوانند وارد زمین کنعان شوند و آن را به تصرف درآورند. در حقیقت، در طول زمانی که اسرائیلیان در بیابان سرگردان بودند، خدا آنها را آزمایش کرد تا به آنها بیاموزد چگونه باید مقدس باشند. در تثنیه ۸: ۲ این‌طور می‌خوانیم:

به یاد آور تمامی راه را که یهوه، خدایت، تو را این چهل سال در بیابان رهبری نمود تا تو را ذلیل ساخته، بیاماید، و آنچه را که در دل تو است بدانند، که آیا اوامر او را نگاه خواهی داشت یا نه (تثنیه ۸: ۲).

از این گذشته، موسی روشن ساخت که وقتی قوم اسرائیل وارد سرزمین مقدس شوند، باید نسبت به خدا وفادار بمانند و گرنه این امتیاز را از دست خواهند داد. به آنچه او در تثنیه ۸: ۱۰-۲۰ می‌گوید گوش بدهید:

و خورده، سیر خواهی شد و یهوه خدای خود را به جهت زمین نیکو که به تو داده است، متبارک خواهی خواند. پس باحذر باش مبادا یهوه خدای خود را فراموش کنی و اوامر و احکام و فرایض او را که من امروز به تو امر می‌فرمایم، نگاه نداری... اگر یهوه خدای خود را فراموش کنی و پیروی خدایان دیگر نموده، آنها را عبادت و سجده نمایی، امروز بر شما شهادت می‌دهم که البته هلاک خواهید شد. مثل قوم‌هایی که خداوند پیش روی تو هلاک می‌سازد، شما همچنین هلاک خواهید شد از این جهت که قول یهوه خدای خود را نشنیده‌اید (تثنیه ۸: ۱۰-۲۰).

موسی می‌دانست که اسرائیلیان، درست مانند آدم و حوا، مستعد سرکشی از فرامین خدا هستند. و به خاطر این گرایش بود که بر آزمایش آدم و حوا در باغ متمرکز شد تا هشدار بدهد که خدا طالب وفاداری همه کسانی است که خواهان سکونت در کنعان هستند. البته خدا از اسرائیل انتظار نداشت که بری از عیب باشد، و وفاداری فقط با

فیض خدا میسر بود. اما اگر اسرائیل مانند آدم و حوا در باغ، آشکارا قوانین خدا را زیر پا می‌گذاشت و از او رویگردان می‌شد، نمی‌توانست از برکات سرزمین وعده بهره‌برد. موسی همزمان با تشویق اسرائیل در حرکت به سوی سرزمین وعده، در نظر داشت که آنها این مشخصه از زندگی در آن زمین را هم به خاطر بسپارند.

با در نظر داشتن تعلیم موجود در باب ۸ تثنیه، می‌توانیم دلیل اصلی موسی برای تمرکز بر لزوم وفاداری آدم و حوا را مشاهده کنیم. او بر این موضوع تاکید می‌کرد تا به اسرائیلیان الهام ببخشد تا برخلاف آنچه آدم و حوا کردند نسبت به فرمان‌های خدا وفادار بمانند. آدم و حوا در باغ تحت آزمایش قرار گرفتند و از آنجا بیرون رانده شدند چون گناه کردند. در روزگار موسی، اسرائیل همچنان بیرون از باغ عدن بود، ولی خدا آنها را آزمود تا قوم را آماده ورود دوباره به عدن و سکونت در برکت خود در آنجا کند.

پس می‌بینیم که وقتی موسی درباره آزمایش وفاداری در باغ عدن می‌نوشت، فقط وقایعی که مدت‌ها پیش در روزگار اولیه جهان برای آدم و حوا اتفاق افتاده بود را مد نظر نداشت؛ بلکه او آنچه در روزگار خودش در جریان بود را هم تشریح می‌کرد. خدا برکت شگفت‌انگیز زندگی در باغ عدن را به اسرائیل عرضه می‌کرد. اما آنها هم درست مثل آدم و حوا، نمی‌توانستند بدون وفاداری نسبت به خدا از این برکات بهره‌مند شوند. موسی اسرائیل را فرا می‌خواند تا به عنوان قومی مقدس و کاملاً متعهد به فرمان‌های خدا، با ایمان زندگی کنند. فقط در این صورت می‌توانستند امیدوار باشند که به آن زمین وارد شوند و با صلح و آرامی در آنجا زندگی کنند.

تا اینجا دیدیم که چگونه موسی زمین عدن و زمین کنعان را به عنوان محل برکت خدا بر زمین به تصویر کشید، و همچنین مشاهده کردیم که او چگونه این تفکر را ارائه می‌داد که هر دوی آن زمین‌ها مستلزم خدمت وفادارانه ساکنان‌شان بودند. اکنون بر بعد سوم از معنای اصلی پیدایش ۲ و ۳ برای اسرائیل، یعنی عواقب بی‌وفایی آدم و حوا متمرکز می‌شویم.

عواقب

برای درک عواقب بی‌وفایی در باغ، نگاهی به سه نتیجه گناه آدم و حوا یعنی: مرگ، درد و رنج، و محرومیت خواهیم انداخت.

مرگ

در وهله اول، موسی توضیح داد که خدا آدم و حوا را تهدید کرد که مرگ یکی از عواقب گناه است. این موضوع ابتدا در هشدار خدا به آدم در پیدایش ۲: ۱۷ دیده می‌شود. خدا گفت:

اما از درخت معرفت نیک و بد زنه‌ار نخوری، زیرا روزی که از آن خوردی، هراینه خواهی مُرد (پیدایش ۲: ۱۷).

«هراینه خواهی مرد» عبارتی است که نشانگر حتمی بودن مرگ آتی است. این ساختار دستوری شباهت زیادی به تهدید به مجازات اعدام در شریعت موسی دارد. وقتی شریعت موسایی متخلفین جرائم سنگین را به مجازات اعدام تهدید می‌کرد، موسی اعلام می‌کرد: «او یقیناً خواهد مُرد» یا «هراینه آنها خواهند مرد.» مضمون حقوقی این متون قویاً نشان می‌دهند که بیان جمله‌های مزبور روش قاعده‌مندی برای اعلان حکم مرگ بوده‌اند. خدا نمی‌گفت که آدم و حوا فوراً خواهند مرد، بلکه حتماً پس از ارتکاب گناه، خواهند مرد.

در پرتو این حقیقت می‌توانیم تهدید خدا خطاب به آدم در پیدایش ۲: ۱۷ را اینطور بفهمیم که برای آدم حکم مرگ صادر می‌شد. او محکوم به مرگ می‌شد. موسی قطعاً دربارهٔ این عاقبت گناه آدم می‌نوشت تا شرح دهد چگونه مرگ وارد جهان شد، اما هدف دیگر او رابطهٔ مستقیم‌تری با تجربهٔ اسرائیلیانی داشت که برای‌شان می‌نوشت. آنها به خوبی با مرگ آشنا بودند. خوانندگان موسی شاهد مرگ اغلب افراد نسل اول بیرون آمده از مصر در بیابان بودند، چون آنها علیه خدا سرکشی کرده بودند. همانطور که موسی در اعداد ۲۶: ۶۵ نوشت:

خداوند دربارهٔ ایشان گفته بود که البته در بیابان خواهند مرد، پس از آنها یک مرد سوای کالیب بن یفنه و یوشع بن نون باقی نماند (اعداد ۲۶: ۶۵).

یک بار دیگر، همان بیان «هراینه خواهید مرد» را می‌بینیم که مربوط به شریعت موسی، و همچنین روایت آدم و حوا در باغ می‌شود.

اسرائیلیان از این جهت با شنیدن داستان آدم و حوا می‌توانستند تجربهٔ خودشان از مرگ در بیابان را با تخطی آدم و حوا از فرمان خدا ارتباط بدهند. عواقب بی‌وفایی به فرمان خدا در باغ، صدور حکم مرگ والدین اولیهٔ نسل بشر بود. همین حکم همچنان برای اسرائیلیان هم‌عصر موسی که ثابت کرده بودند شدیداً نسبت به فرمان‌های خدا بی‌وفا هستند، پابرجا مانده بود.

رنج

با مطالعهٔ روایت پیدایش، به روشنی می‌بینیم که مرگ فوراً به سراغ آدم و حوا نیامد. خدا ابتدا زندگی آدم و حوا را محدود به رنج کرد. از یک سو، در پیدایش ۳: ۱۶ می‌خوانیم:

به زن گفت: «الم و حمل تو را بسیار افزون گردانم؛ با الم فرزندان خواهی زایید» (پیدایش ۳: ۱۶).

از سوی دیگر، خدا آدم را نیز به زندگی پر از رنجی مبتلا کرد. در پیدایش ۳: ۱۷ او خطاب به آدم گفت:

به سبب تو زمین ملعون شد، و تمام ایام عمرت از آن با رنج خواهی خورد (پیدایش ۳: ۱۷).

موسی از میان همه چیزهای دیگری که می‌توانست دربارهٔ عواقب گناه در باغ بنویسد، بر این رنج دو جانبه متمرکز شد که به خوبی هدف او را از نوشتن این روایت به اسرائیل می‌رساند. آنها بیرون از زمین کنعان، انواع رنج‌هایی را که در اینجا به آن اشاره شده، تجربه کرده بودند. اما گوش بدهید که موسی چگونه زندگی در سرزمین وعده را توصیف کرد. در تثیبه ۱۱: ۱۰-۱۲ اینطور می‌خوانیم:

زمینی که تو برای گرفتن آن داخل می‌شوی، مثل زمین مصر که از آن بیرون آمدی نیست، که در آن تخم خود را می‌کاشتی و آن را مثل باغ بقول به پای خود سیراب می‌کردی. لیکن زمینی که شما برای گرفتنش به آن عبور می‌کنید، زمین کوه‌ها و دره‌هاست که از بارش آسمان آب می‌نوشد، زمینی است که یهوه خدایت بر آن التفات دارد و چشمان یهوه خدایت از اول سال تا آخر سال پیوسته بر آن است (تثیبه ۱۱: ۱۰-۱۲).

به طور خلاصه، موسی اسرائیل را به مکانی می‌برد که از رنج‌هایی که خارج از کنعان تجربه کرده بودند خلاصی یابند. در نتیجه وقتی موسی دربارهٔ رنج و درد آدم و حوا نوشت، خوانندگان اسرائیلی خود را فرا خواند تا از بی‌وفایی‌ای که منجر به رنج شد اجتناب کنند، و نسبت به خداوند وفادار باشند تا بتوانند به کنعان برگردند و شادی زندگی با برکات خدا را تجربه کنند.

محروریت

سومین تأثیر بی‌وفایی آدم و حوا در ۳: ۲۲ به چشم می‌خورد. به پیدایش ۳: ۲۲ گوش کنید:

و خداوند خدا گفت: «همانا انسان مثل یکی از ما شده است، که عارف نیک و بد گردیده. اینک مبادا دست خود را دراز کند و از درخت حیات نیز گرفته بخورد، و تا به ابد زنده ماند» (پیدایش ۳: ۲۲).

این متن به روشنی می‌گوید که درخت حیات می‌توانست بشریت را «تا به ابد زنده» نگه دارد. آن درخت جواب نهایی به مشکل رنج و مرگ بود. اما خدا نمی‌خواست در آن زمان آدم و حوا از آن بخورند. آنها از باغ، و درخت حیات که درون آن بود محروم شدند.

مهم است به یاد داشته باشیم که دسترسی به درخت حیات تا ابد برای نسل بشر ممنوع نشد. سایر قسمت‌های کلام خدا روشن می‌کند که وفاداران به خدا نهایتاً قادر به خوردن از میوه این درخت خواهند بود. به آنچه یوحنا رسول در مکاشفه ۲:۷ درباره درخت حیات می‌گوید، گوش بدهید:

هر که غالب آید، به او این را خواهم بخشید که از درخت حیاتی که در وسط فردوس خداست بخورد (مکاشفه ۲:۷).

یوحنا درباره زمان آخر و بازگشت مسیح به زمین صحبت کرد. اما با این حال گفته‌های او شرحی از هدف نوشته‌های موسی درباره این درخت برای اسرائیل هم هست. پس از گناه آدم و حوا، خدا راه دسترسی به درخت حیات را مسدود کرد، ولی در روزگار موسی، خدا راهی را باز کرد تا اسرائیل دست‌کم طعم برکت حیات را در هنگام بازگشت به زمین کنعان بچشد. بشنوید که موسی چطور این موضوع را در تثنیه ۳۰:۱۹-۲۰ بیان می‌کند:

امروز آسمان و زمین را بر شما شاهد می‌آورم که حیات و موت و برکت و لعنت را پیش روی تو گذاشتم. پس حیات را برگزین تا تو با ذریت زنده بمانی. و تا یهوه خدای خود را دوست بداری و آواز او را بشنوی و به او ملصق شوی، زیرا که او حیات تو و درازی عمر توست تا در زمینی که خداوند برای پدرانت، ابراهیم و اسحاق و یعقوب، قسم خورد که آن را به ایشان بدهد، ساکن شوی (تثنیه ۳۰:۱۹-۲۰).

اگر اسرائیلیان نسبت به خدا وفادار می‌ماندند، این فرصت را می‌یافتند که زندگی طولانی و شادی را در زمین کنعان نصیب خود کنند.

درست به همان ترتیبی که آدم و حوا از دسترسی به درخت حیات محروم شدند، خدا در روزگار موسی نوبری از برکت حیات در آن زمین را به اسرائیل پیشکش می‌کرد. این تجربه حیات، به اندازه حیات جاودانی نبود که هنگام بازگشت مسیح خواهد بود. اما پیش‌درآمدی از نوع حیاتی بود که در مسیح به ظهور خواهد رسید. موسی به اسرائیل این فرصت را عرضه کرد تا از برکت عمر طولانی در سرزمین وعده بهره‌مند شوند.

پس تا اینجا دیدیم که داستان سرکشی آدم و حوا در باغ عدن بسیار بیشتر از یک روایت عادی از سرمنشاء گناه در جهان بود. موسی با ترسیم روابط میان عدن و کنعان، به خوانندگان اسرائیلی خود درباره زندگی خودشان هم تعالیمی داد. آنها آموختند که سرزمین وعده می‌توانست برای‌شان تا چه اندازه شگفت‌انگیز باشد.

پس از بررسی ساختار ادبی و معنای اصلی پیدایش ۲-۳، آماده‌ایم تا سوال سوم را بررسییم. چگونه عهد جدید به ما می‌آموزد تا امروز این متن را به کار ببریم؟

کاربرد امروزی

برای ما روشن است که موسی این متن را نوشت تا خوانندگان اسرائیلی خود را تشویق به اجتناب از اشتباهات آدم و حوا کند، و تا با ورود به کنعان، به بهشت برگردند. اما این دستورات خطاب به اسرائیل، امروز چه ارتباطی با ما دارد؟ به عبارت ساده، درست همانطور که موسی از داستان گناه در باغ استفاده کرد تا اسرائیلیان را تشویق کند که به عقب برگشته، قدم‌های آدم را مرور کنند تا بتوانند نجاتِ زندگی در بهشت را یک بار دیگر بیابند، نویسندگان عهد جدید تعلیم می‌دادند که نجات در مسیح نیز بازگشتی به بهشت است.

ما موارد استفاده عهد جدید از باب‌های ۲-۳ پیدایش در رابطه با مسیح را بر اساس روش معمول‌مان در تمرکز بر سه مرحله پادشاهی مسیح، بررسی خواهیم کرد. ابتدا به چگونگی کاربرد این متن در تاسیس پادشاهی مسیح در آمدن اولیه او نگاهی خواهیم انداخت، و سپس خواهیم دید که متن مورد نظر چگونه در تداوم پادشاهی خدا، امروز با زندگی ما سخن می‌گوید. و در نهایت، خواهیم دید که عهد جدید از این متن برای تعلیم درباره کمال پادشاهی مسیح در زمان آمدن دوباره او، استفاده می‌کند. بیایید ابتدا به تاسیس پادشاهی مسیح نگاهی بیندازیم.

تاسیس

عهد جدید به ما می‌گوید یکی از روش‌هایی که مسیح نجات را به جهان می‌آورد، در خدمت زمینی او است. مسیح در تاسیس پادشاهی خود، اعمال آدم و حوا در باغ را مرور و تصحیح کرد. او در خدمت زمینی خود، فرامین خدا که آدم و حوا در انجام آنها شکست خوردند را به انجام رساند. این جنبه از تعلیم عهد جدید را ابتدا با نگاهی بر چگونگی ظهور این موضوع در نامه‌های پولس و سپس چگونگی آشکار شدن آن در انجیل متی، بررسی خواهیم کرد. بیایید ابتدا با نگرش پولس شروع کنیم.

پولس

پولس دیدگاه خود را در رومیان ۵: ۱۴ خلاصه کرد. او نوشت:

از آدم تا موسی، مرگ بر همگان حاکم بود، حتی بر کسانی که گناه‌شان به گونه سرپیچی آدم نبود. آدم، نمونه کسی بود که می‌بایست بیاید (رومیان ۵: ۱۴، هزاره).

توجه کنید که پولس می‌گوید آدم نمونه‌ی کسی بود که می‌بایست بیاید. ادامه‌ی باب ۵ رومیان روشن می‌کند که «کسی که می‌بایست بیاید» مسیح بود. به روشی که پولس این موضوع را در رومیان ۵: ۱۸-۱۹ خلاصه می‌کند، گوش بدهید:

پس همان‌گونه که یک گناه موجب محکومیت همه‌ی آدمیان شد، یک کار کاملاً نیک نیز، باعث تبرئه و حیات همه می‌باشد. و چنانکه بسیاری در نتیجه بی‌اطاعتی یک نفر، گناهکار گشتند، به همان طریق، بسیاری هم در نتیجه اطاعت یک نفر، کاملاً نیک محسوب خواهند شد (رومیان ۵: ۱۸-۱۹، مژده).

به بیان پولس در اینجا توجه کنید. یک خطای آدم منجر به محکومیت همه‌ی آدمیان شد، اما یک عمل عادلانه‌ی مسیح منجر به مبرا شمردگی همه‌ی مردم گردید. چرا اینطور شد؟ چون ناطاعتی یک مرد یعنی آدم، ما را گناهکار کرد. اما اطاعت یک مرد یعنی مسیح، ما را تبرئه کرد.

این تعلیم برای اکثر مسیحیان آشناست. همانطور که موسی در پیدایش ۲-۳ تعلیم داد، آدم فقط یک انسان بود، اما اعمال او عواقبی برای همه‌ی کسانی داشت که اصلیت‌شان از او است. گناه آدم مرگ را برای تمامی نسل بشر به همراه داشت چون او نماینده‌ی اتحاد ما یا عهد ما با خدا بود. در نتیجه گناه آدم، همه‌ی ما بیرون از بهشت مبارک خدا، به دنیا می‌آییم و زیر لعنت مرگ هستیم. اما در عین حال، عهد جدید تعلیم می‌دهد که مسیح نماینده‌ی اتحاد یا عهد همه‌ی کسانی است که به او ایمان دارند. اما اطاعت مسیح از خدا بر خلاف ناطاعتی آدم، عدالت و حیات را برای هر کسی به ارمغان می‌آورد که با او متحد شمرده می‌شود.

از این تعلیم موضوع بسیار مهمی را درباره‌ی کاربرد داستان گناه آدم در زندگی خودمان می‌آموزیم. تنها راه بازیابی بهشت گمشده، اطاعت از مسیح است. ما نمی‌توانیم شخصا بر اساس شایستگی‌های فردی‌مان در برابر خدا، به بهشت وارد شویم. به یک نماینده‌ی کاملاً بی‌عیب احتیاج داریم تا پیش از ما وارد بهشت شود، و مسیح، آن نماینده است. فقط به این دلیل می‌توانیم نجات حیات جاودانی را در حضور خدا بیابیم، که مسیح کاملاً مطیع خدای پدر بود. عیسی در خدمت زمینی خود، حق ورود به بهشت را دریافت کرد و فقط کسانی که به او ایمان می‌آورند، می‌توانند همراه او وارد شوند.

همبستگی میان آدم و مسیح که پولس به آن اشاره کرد، توسط سایر نویسندگان عهد جدید هم ارائه شده است. بیایید ببینیم این مبحث چگونه در انجیل متی آشکار می‌شود.

متنی

متی به طور خاص در روایت خود از وسوسهٔ مسیح در متی ۴: ۱-۱۱، توجه خواننده را به روشی که مسیح گناه آدم را مرور و تصحیح کرد، جلب می‌کند (متن مشابه آن را می‌توان در لوقا ۴: ۱-۱۳ یافت).

داستان وسوسهٔ مسیح شباهت‌های زیادی به تجربهٔ آدم و حوا در باغ، و چالشی داشت که موسی در نوشتن دربارهٔ آدم و حوا برای اسرائیلیان به وجود آورد. در وهلهٔ اول، مکان وسوسهٔ مسیح، آن را به مکان اسرائیلیانی که به دنبال موسی بودند، مربوط می‌کرد. طبق متی ۴: ۱، درست همانطور که خدا اسرائیل را به بیابان برده بود، روح‌القدس نیز عیسی را به بیابان برد. در بیابان بود که خدا اطاعتِ اسرائیل را آزمود، و مسیح هم در بیابان آزموده شد.

دوم، طول مدتی که عیسی در بیابان گذراند شباهت زیادی به تجربهٔ اسرائیل دارد. درست همانطور که اسرائیل چهل سال در بیابان بود، بر اساس متی ۴: ۲، عیسی هم چهل روز در بیابان ماند.

سوم، گرسنگی مشخصهٔ مهمی در وسوسهٔ مسیح بود. در متی ۴: ۳ شیطان مسیح را وسوسه کرد تا سنگ‌ها را به نان تبدیل کند. این بُعد از وسوسهٔ مسیح شبیه آزمایش اسرائیل در مورد آب و غذا در بیابان است.

چهارم، خودِ عیسی از طریقی که کلام خدا را به کار برد، تجربهٔ خود را به آزمایش اسرائیل در بیابان مربوط کرد. در متی ۴: ۴ عیسی از تثنیه ۸: ۳ نقل قول کرد. در متی ۴: ۷، تثنیه ۶: ۱۶ را به زبان آورد، و در متی ۴: ۱۰ به تثنیه ۶: ۱۳ اشاره کرد. این متون عهد عتیق مربوط به قسمت‌هایی از تثنیه هستند که موسی در آنها آزمایش اسرائیل در بیابان را توصیف کرده است. با نقل قول از این متون، عیسی مستقیماً تجربهٔ وسوسهٔ خود را با آزمایش قوم اسرائیل مرتبط کرد.

پس می‌بینیم که روایت متی از وسوسهٔ عیسی با پیامی که در اصل موسی از طریق پیدایش ۲-۳ به اسرائیل داده بود، ارتباط دارد. عیسی به واسطهٔ اطاعت فعالانه‌اش در جایی که آدم و اسرائیل مردود شده بودند، موفق شد. مسیح به فرامین خدا وفادار ماند. به همین دلیل عیسی آن سخنان مشهور خود را در لوقا ۲۳: ۴۳ بیان کرد. درست همانطور که اسرائیل در بیابان با آزمایش‌های خود مواجه شد تا برای ورود به بهشتِ کنعان آمادگی بیابد، لوقا ۲۳: ۴۳ سخنانی را که عیسی روی صلیب خطاب به دزد توبه‌کار گفت، به ثبت رسانده است:

هرآینه به تو می‌گویم امروز با من در فردوس خواهی بود (لوقا ۲۳: ۴۳).

پادشاه مسیح برای عدالت آن مرد، حیات جاودانی در فردوس بود.

پس می‌بینیم که عهد جدید وسوسهٔ آدم و حوا، و همینطور آزمایش اسرائیل در بیابان را به تاسیس پادشاهی در خدمت زمینی مسیح ربط می‌دهد. مسیح آدم آخر بود، و در جایی موفقیت کسب کرد که آدم اول مردود شده بود.

از این گذشته، مسیح در بیابان بر وسوسه غالب شد، و مردودیت اسرائیل را نقض کرد. و به همین دلیل وارد بهشت جاودانی شد.

حال که دیدیم چگونه عهد جدید روایت موسی از آدم و حوا در باغ را به آمدن اول مسیح مربوط می‌کند، لازم است که به موضوع دوم‌مان بپردازیم، اینکه: چگونه عهد جدید این اصول را با تداوم پادشاهی خدا در زمان حاضر به کار می‌گیرد؟

تداوم

چند متن عهد جدید در این مورد چشمگیر هستند. ولی ما فقط به دو متن خواهیم پرداخت: اول، تمرکز پولس بر این باب‌های کتاب پیدایش، و دوم، شیوه نگارش یعقوب درباره این موضوع.

پولس

ابتدا ببینیم پولس در دوم قرنتیان ۱۱: ۳ چه می‌گوید:

لیکن می‌ترسم که چنانکه مار به مکر خود حوا را فریفت، همچنین خاطر شما هم از سادگی‌ای که در مسیح است، فاسد گردد (دوم قرنتیان ۱۱: ۳).

پولس در ادامه این باب شرح می‌دهد که عمیقاً نگران است که قرنتیان به انجیل دیگری رو بیاورند. در اینجا می‌بینیم که پولس به واسطه نمونه منفی حوا، علیه بدترین نوع بی‌وفایی – یعنی رویگردان شدن از انجیل حقیقی مسیح – هشدار می‌دهد. درست همانطور که موسی با استفاده از وسوسه حوا به اسرائیل هشدار داد تا با وفاداری به سوی سرزمین وعده حرکت کند، پولس هم با استفاده از همین داستان به ایمانداران زمان خود درباره وفاداری بنیادینی که برای همه پیروان مسیح الزامی است، هشدار داد. در حین تداوم پادشاهی مسیح، بسیاری از افراد در کلیسای مرئی، با خطر رویگردانی از حقایق اساسی انجیل روبرو می‌شوند. کلیسا باید در مقابل این نوع دوری از خدا موضع بگیرد چون عواقب آن به همان اندازه که برای آدم و حوا، هولناک بود، مهیب است.

یعقوب

یعقوب با تشریح نقش آزمایش و تجربه‌ها در زندگی مسیحی، مانند پولس موضع‌گیری کرد. در یعقوب ۱:

۱۲-۱۵ اینطور می‌خوانیم:

خوشابه‌حال آن که در آزمایش‌ها استقامت نشان می‌دهد، زیرا چون از بوتۀ آزمایش سربلند بیرون آید، تاج حیاتی را خواهد یافت که خدا به دستداران خویش وعده فرموده است... هنگامی که کسی وسوسه می‌شود، هوای نفس خود اوست که او را می‌فریبد و به دام می‌افکند. هوای نفس که آبتن شود، گناه می‌زاید و گناه نیز چون به ثمر رسد، مرگ به بار می‌آورد (یعقوب ۱: ۱۲-۱۵).

روشن است که یعقوب به پیدایش ۲-۳ اشاره کرد. در ۱: ۱۴ او بر «هوای نفس» به عنوان قدرتی که در پشت فریفتگی به گناه قرار دارد، متمرکز می‌شود، و این هوای نفس حوا برای درخت معرفت نیک و بد بود که باعث گناه او شد.

دوم، یعقوب توضیح داد کسانی که از آزمایش سربلند بیرون آیند «تاج حیات را خواهند یافت». در مقابل نتیجه گناه «مرگ به بار می‌آورد». در اینجا تقابل میان حیات و مرگ مشابه تضاد حیات و مرگ در داستان آدم و حواست.

درست همانطور که موسی در طول آزمایش‌های بیابان با مثال آوردن از وسوسه آدم و حوا، مشوق وفاداری در اسرائیل بود، پولس و یعقوب هم ما را تشویق به وفاداری در حین آزمایش‌های موجود در تداوم پادشاهی خدا می‌کنند. آزمایش‌های زندگی مسیحی، شخصیت حقیقی ما را آشکار، و برای حیات جاودانی آماده‌مان می‌کنند. به واسطه فیض خدا، باید هرچه می‌توانیم انجام دهیم تا نسبت به مسیح وفادار بمانیم تا مفتخر به دریافت هدیه حیات جاودانی در بهشت بشویم.

حال که دیدیم عهد جدید چگونه از داستان آدم و حوا در باغ برای تاسیس و تداوم پادشاهی خدا استفاده می‌کند، لازم است که به مرحله نهایی، یعنی تکمیل نجات در مسیح در هنگام آمدن دوباره او بپردازیم.

تکمیل

این موضوع نیز در قسمت‌های زیادی از عهد جدید به چشم می‌خورد، ولی ما فقط به دو متن: یکی در رومیان و دیگری در کتاب مکاشفه اشاره می‌کنیم.

رومیان

اول به امیدی که پولس در انتهای نامه‌اش به ایمانداران روم می‌دهد گوش کنید. او در رومیان ۱۶: ۲۰ اینطور نوشت:

و خدای سلامتی به زودی شیطان را زیر پای‌های شما خواهد سایید. فیض خداوند ما عیسیای مسیح با شما باد (رومیان ۱۶: ۲۰).

پولس با این کلام، آمدن دوبارهٔ مسیح را به یاد مسیحیان روم می‌آورد. اما این کار را با اشاره به وعدهٔ نجات در پیدایش باب ۳ کرده است.

همانطور که قبلاً در این درس دیدیم، خدا در پیدایش ۳: ۱۵ خطاب به مار گفت که روزی نسل حوا، یعنی نژاد بشری، سر نسل مار را خواهد کوبید. در این متن، پولس بیان کرد که با بازگشت مسیح، شیطان زیر پای مسیحیان له خواهد شد. خود مسیح، شیطان و دشمن قدرتمند ما یعنی مرگ را از بین خواهد برد. سپس ما با مسیح در پیروزی و جلال سلطنت خواهیم کرد.

مکاشفه

قسمت دیگری در عهد جدید که موضوعات باب‌های ۲-۳ پیدایش با کمال پادشاهی خدا مربوط می‌شود، کتاب مکاشفه است. یوحنا در موقعیت‌های مختلفی در کتاب خود به درخت حیات اشاره کرده است. به نوشتهٔ یوحنا در مکاشفه ۲: ۷ گوش بدهید:

آنکه گوش دارد بشنود که روح به کلیساها چه می‌گوید. هر که غالب آید، به او این را خواهیم بخشید که از درخت حیاتی که در وسط فردوس خداست بخورد (مکاشفه ۲: ۷).

در اینجا اشاره به پیدایش باب ۳ بدیهی است. می‌دانیم که آدم و حوا دقیقاً از باغ عدن بیرون رانده شدند تا از خوردن میوهٔ درخت حیات، دور بمانند. اما وقتی مسیح برگردد، خدا به قوم خود حق خوردن از درخت حیات را خواهد داد. همچنین به محل این درخت توجه کنید. یوحنا به صراحت می‌گفت که درخت «در فردوس خدا» قرار دارد. درست همانطور که موسی اسرائیل را فراخواند تا به کنعان وارد شوند که در آنجا عمر طولانی بیابند، امید مسیحیان هم ورود به بهشتی عظیم‌تر و کاملاً مرمت‌شده، است.

در وهلهٔ سوم، رابطهٔ دیگری را با پیدایش در هویت کسانی می‌بینیم که از آن درخت خواهند خورد. یوحنا گفت به «هر که غالب آید» این حق داده می‌شود. درست همانطور که کلام موسی دربارهٔ درخت حیات به منظور تشویق اسرائیل برای وفاداری به خدا بود، یوحنا شرح داده است که فقط کسی خواهد توانست از درخت حیات بخورد که با وفاداری، بر گناه غلبه کند.

سرانجام، لازم است نگاهی به مکاشفه ۲۲: ۱-۲ بیندازیم. وقتی یوحنا به جهان جدید پیش‌رو نگریست، این صحنه را دید:

و [فرشته] نه‌ری از آب حیات به من نشان داد که درخشنده بود، مانند بلور و از تخت خدا و بره جاری می‌شود. و در وسط شارع عام آن و بر هر دو کناره نه‌ر، درخت حیات را که دوازده میوه می‌آورد، یعنی هر ماه میوه خود را می‌دهد. و برگ‌های آن درخت برای شفای امته‌ها می‌باشد (مکاشفه ۲۲: ۱-۲).

نگرش عهد جدید ساده است. وقتی مسیح بر می‌گردد تا پادشاهی خود را به کمال برساند، کسانی که به او توکل دارند وارد بهشت عدن خواهند شد. شیطان زیر پاهای ما له خواهد شد و از درخت حیات خواهیم خورد و تا ابد در آفرینش جدید خدا زندگی خواهیم کرد.

نتیجه‌گیری

در این درس دیدیم که موسی درباره‌ی آدم و حوا در باغ عدن نوشت تا به اسرائیلیان در حرکت‌شان به سوی سرزمین وعده، کمکی کرده باشد. او قوم خدا را به مرور و تصحیح وقایع باغ عدن فراخواند. از جهات زیادی، این متن امروز هم پیام مشابهی برای ما دارد. با شنیدن موسی که اسرائیل را به پیشروی به سوی سرزمین وعده فرا می‌خواند، می‌توانیم ببینیم که چطور ما هم باید قدم‌های آدم و حوا را مرور و تصحیح کنیم. با اعتماد و وفاداری به مسیح، نجات موجود در بهشت از دست‌رفته و بازیافته را خواهیم یافت.